

# دستورهای سیصد ساله برای زبان فارسی

بقلم

آقای ایرج افشار



آن کو به زبان خویشتن درماند  
نادان بود از دو صد زبان می داند  
فرزند وطن به هر زبان ره جوید  
دستور زبان فارسی هر خواند  
قرب

از زمانی که تجار و سیاحان فرنگی به ایران آمدند، بخصوص در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی که دورهٔ افتتاح روابط سیاسی و تجاری با دولت صفوی بود علمای فرنگ کتابهای متعدد چه از نوع سفرنامه و گزارش و چه ترجمهٔ کتب ادبی فارسی مانند گلستان (که بزبان لاتینی در سال ۱۶۸۰ انتشار یافت) تألیف و طبع کردند. در آن عهد آموختن زبان فارسی برای فرنگیانی که قصد سفر مشرق داشتند لازم بود تا بتوانند در قلمرو وسیع تکلم به زبان فارسی (از جمله هندوستان) به آسانی حوائج خود را بیان کنند. لذا دورشته کتاب (لغتنامه<sup>۱</sup> و دستور زبان) وسیلهٔ کار بود، همانطور که امروز کتب متعدد در طریقهٔ آموختن السنهٔ خارجی به زبان فارسی تهیه می شود و رغبتی بی حد و حساب و مسابقه وار برای هر کس پیش آمده است.

چون این یادنامه برای فردی و استادی تدوین شده است که نامش با تاریخ دستور زبان فارسی همراه و آمیخته است لذا مناسب می داند قدیمترین دستورهایی را که فرنگیان برای زبان فارسی نوشته اند معرفی کند. بخصوص که مرحوم استاد قریب نیز در تدوین دستور خود کتبی را دیده است که آن کتب خود مبتنی بر اسلوب و مأخوذ از اصول فرنگی است.<sup>۲</sup>

۱ - در باب لغت نامه هایی که فرنگیان برای زبان فارسی نوشته اند، به مقالهٔ اینجانب در مقدمهٔ لغت نامهٔ دهخدا مراجعه فرمائید.

۲ - مانند « دستور سخن » میرزا حبیب اصفهانی.

## عنصرهای زبان فارسی

*Rudimenta linguae Persicae*

تألیف Ludovico de Dieu

این کتاب ۹۵ صفحه‌ای و بقطع خشتی که در سال ۱۶۳۹ (قریب ده سال بعد از وفات شاه عباس اول) در شهر «لوگدون» باتاوروم» (همان لیدن امروزی در هلند) است که از قدیم مرکز طبع کتب شرقی و مربوط به شرق بود) طبع شده ظاهراً اولین کتابی است که به زبان لاتینی در طریقهٔ آموختن زبان فارسی و وقوف بر قواعد دستوری آن تألیف گردیده است.

کتاب به چهار قسم تقسیم شده است. در قسمت اول از حروف رایج در زبان فارسی و چهار حرف مخصوص (گ، ژ، چ، پ) و حرکات کلمات و توجه داشتن به کلمات هم‌شکل ولی مختلف التلفظ (مثل گُل و گِل) بحث شده است، نیز در همین مبحث به کلماتی اشاره شده است که بدو صورت تحریر و تلفظ می‌شود (خواه به تخفیف یا تلخیص) مانند ده = دیه، ره = راه، دهن = دهان، برون = بیرون، بدن = بودن، چو = چون، ورنه = وگرنه و غیر اینها که در یک معنی استعمال می‌شود.

قسم دوم در بحث از فعل است. درین بخش از ضمائر متصل و منفصل و طریق اتصال ضمیر به فعل و بعد زمان و وجوه افعال بحث شده است.

دنبالهٔ این فصل قسمتی مخصوص معرفی افعال مرکب است. خواه آنها که با افعال معین استعمال می‌شود و خواه آنها که با افعال دیگر (مانند تیمار خوردن، باز خوردن، سوگند خوردن، برهم خوردن)،

بعداً جدولی از وجوه فعل ساختن و سوم شخص مفرد زمان حاضر از افعالی که بی‌قاعده‌اند یا در حروفشان تغییر پیدا می‌شود برای سهولت کار مراجعه کنندگان الحاق شده است.

قسمتهای بعدی این مبحث مخصوص بیان افعال شرطی و افعالی است که با حروفی از قبیل در، بر، باز، سر مورد استعمال دارند.

قسمت سوم مبحث اسم و حالات آن و صفت و پساوند و پیشاوند و اعداد است.

قسمت چهارم به قیود و حروف اضافه اختصاص دارد.

درانتهای منتخبانی از ترجمه فارسی سفر تکوین از یعقوب طاووسی الحاق شده است که عکس نمونه‌هایی از آن در دنبال همین صفحات چاپ شده است.

## ۲

*Grammatica Linguae Persiae*تألیف *Ignatio à Jesu*

این کتاب که تألیف کشیشی کرولی از اعضای هیأت مبلغین در تریپولی و جبل لبنان است در ۶۰ صفحه به سال ۱۶۶۱ میلادی (= ۱۰۷۲-۱۰۷۳ قمری) در شهر رُم طبع شده است.

این کتاب هم‌بمانند آن دیگری در چهار بخش است و مطالب از همان دست و به همان اسلوب توضیح و تدوین گردیده. جز اینکه در آن کتاب مثالها به خط فارسی است و در اینجا به خط لاتینی (مگر در ابتدا که جدولی از معادله حروف و تلفظ و شکل آنها به حروف لاتینی به دست داده شده است).

\* \* \*

بنحوی که ملاحظه شد فرنگیان از قرن هفدهم میلادی به نوشتن دستور زبان فارسی پرداخته‌اند و اگر بخواهیم فهرست کتب و مقالاتی که دانشمندان آنها در این موضوع تألیف کرده‌اند برشمردیم در اینجا مجال چنان کاری نیست و قبلاً صورتی از آنها را در فرهنگ ایران زمین سال دوم (۱۳۳۳) تهیه و طبع کرده‌ام.

اما بجاست یادآوری شود که در فرنگستان این رشته هیچگاه گسسته نشده است و از همان قرن منظمأ به مناسبت احتیاج دستور زبانهای متعدد تألیف شده است .

و بنا بر آنچه «زنکر» در جلد اول Bibliotheca Orientalis نوشته است دومین دستور زبان فارسی تألیف Joanne Gravio در سال ۱۶۴۹ در لندن نشر شده است. دیگر از دستوری باید نام برد که توسط Jacobi Altingi تألیف و در سال ۱۷۳۵ ( و چند دفعه دیگر از جمله در ۱۷۴۶ و ۱۷۴۷ ) توسط Georgès Othone ضمن مجموعه ای با دستور زبانهای عبری و امهری ( حبشی ) و عربی طبع شده است .



عصرهای زبان فارسی

R V D I M E N T A  
L I N G V Æ  
P E R S I C Æ.

*Authore*  
LUDOVICO DE DIEU.

ACCEDVNT  
*Duo priora capita Geneseos, ex Persica Translatione*  
IAC. TAWUSI.



LUGDVNI BATAVORVM,  
Ex Officina Elseviriana, A° c<sup>o</sup> l<sup>o</sup> cxxxix.

54

## RVDIMENT. PERSIC.

## REGVLA II.

Participium præsens in نَدَ usurpatur frequenter pro substantivo Concreto, & est nomen Actoris. ut

اَقْرِبَنَّده creator. پَرَنده volucris.

اَمُوْرَانَنده doctor. رَسْتَكَاْرِي دَهَنده salutis dator, Salvator.

بِخَشَنده gratiosus, condonator.

## De Diminutivis.

Diminutiva fiunt ab Absolutis, assumendo in fine Giesmatum, præcedente phatah. ut

پِسْرَكِي filiulus. à پِسْر à filius.

پَدْرَكِي paterculus. à پَدْر à pater.

مَادْرَكِي matercula à مَادْر à mater.

Plane ut nos Belgæ dicimus, **Vaderke/ Moederke/ Manneke/ &c.**

## De Adjectivis.

## I.

Ab Infinitivis addito in fine ي fiunt Adjectiva in dus. ut à كُشْتَن interficere, كُشْتَنِي interficiendus.

à

92	CAP. II. GENES.
CAP. II.	
1	و شدن آن آسمان و آن زمین و جمله سبزه
2	و تمام ایشان : و تمام کرد خدا نور روز آن
3	هفتی کار او آنچه کرد و معطی فرمود نور روز
4	آن هفتی آن جمله کار او آنچه کرد : و آفرین
5	کرد خدا نور روز آن هفتی و خاص کرد اویرا
6	که نور معطی فرمود آن جمله کار او آنچه
7	آفرید خدا بگردن : اینان پیدا شدند آنها آن
8	آسمان و آن زمین نور آفریده شدن ایشان نور
9	روز کردند : خدا زمین و آسمان : و همه درخت
10	آن داشت پیش باشد نور زمین و همه گیاه آن داشت
11	پیش برود که نه بآراند : خدا آب آن زمین
12	و آدم نبود بکار کردن نور آن زمین : و بخار بر
13	آید آن زمین و آب دهد نور همه روی آن زمین :
14	و آفرید : خدا نور آن آدم خاک آن زمین
15	و بدید نور بینی او نفس زندگی و بود آن آدم
بجان	

# GRAMMATICA LINGVAE PERSICAE.

A V C T O R E

*Patre Fratres IGNATIO à JESU  
Carmelita Discalceato Missionario, &  
Vicario Residentiæ Tripolis, &  
Montis Libani.*



R O M Æ,

Typis Sacræ Congregationis de Propaganda Fide.

Anno Domini M DC LXI.



SVPERIORVM PERMISSV.

صفحه عنوان کتاب کشیش کرملی



## Caput I. De Literis.

5

S̄c̄h	S̄c̄in شین	شده ش	شده	شش	شش
SS	S̄ad صاد	صد	صد	صص	صص
Zh	Zhad صاد	ضد	ضد	ضض	ضض
Th	The طاء	ط	ط	طط	طط
Zh	Zhe ظاء	ظ	ظ	ظظ	ظظ
Ahh	Ahhin عین	ع	ع	عع	عع
Ghh	Ghhain غین	غ	غ	غغ	غغ
F	Fe فا	ف	ف	فف	فف
Ch	Chaf قاف	ق	ق	قق	قق

نمونه جدول حروف از کتاب کشیش کرملی

42 *Rudimenta Persica**Præterito imperfecto.*

<i>Michbordem</i>	Man-	<i>Michbordim</i>	Man.
ducabam		ducabamus	
<i>Michbordi</i>	Man-	<i>Michbordid</i>	Man-
ducabas		ducabatis	
<i>Michbord</i>	Man-	<i>Michbordend</i>	Man-
ducabat		ducabant.	

Præteritum imperfectum formatur à Perfecto addendo ipsi in principio particulam *mi*, v.g. *Chordem*, Manducaui. *Michbordem*, Manducabam.

*Præterito perfecto*

<i>Chordem</i>	Man-	<i>Chordeim</i>	Man-
ducaui		ducauimus	
<i>Chordi</i>	Man-	<i>Chordeid</i>	Man-
ducasti		ducastis	
<i>Chord, vel Chorde est</i>		<i>Chordeend</i>	Man-
Manducauit.		ducarunt.	

*Præterito Plusquam perfecto.*

<i>Chordebudem</i>	Man-	<i>Chordz budim</i>	Man-
ducaueram		ducaueramus	
		<i>Chhor-</i>	

( 119 )



SYNOPSIS  
 INSTITUTIONUM  
 PERSICARUM.  
 SECTIO I. *Generalis.*

CANON I.



Persica lingua etsi planè sui juris est, ab Arabica tamen unà cum religione infinita vocabula, imprimis Nomina, participia & particulas, ipsamque adeò scribendi rationem per literas & puncta accepit.

Quemadmodum autem ex literis, quas XXXII. numerat, novem hisce ط ظ ث ح ت ad sola ferè Arabica; ità his quatuor, ع غ ق & ن ج ب (quæ Persicæ; sicut ب ج ن & ث ح ت à quibus formatae sunt, Arabicæ dicuntur) ad sola Persica exprimenda utitur.

Figura, nexus & ductus harum literarum Arabicas per omnia sequuntur: magis tamen pendulo & involuto scribendi genere, quod *Taalik* dicitur, Manuscripta eorum constant: unde & paulò difficilior eorum lectio in assuetis,

Difficul-

صفحه اول از کتاب یعقوب آلتونگی

۱۴۸

## SYNOPSIS

Imperativus ergò in ا in Aoristo interponit ی  
 ut: *ostende*, نَمَائِدْ, *tenta*, اَزْمَا, *azmida*. In Præterito primùm addit صَد ut: *cede*, اَصَد, reliqua mutant ا in و, ut: *duo*, دُوون, *duo*, دُوون.

یاقْت, *inveni*, یَابْ ut: *qut*, قُت, *mutatur* in ب.

اَقْتَان, *cade*, اَقْت ut: *an*, اَن affumit ت.

affumit { *comede*, خُور, ut: *u*, و vel  
*fleto*, كِرْسْت, ut: *st*, سْت vel  
*cape*, كِرْ seu كِيسر, ut: *ft*, فْت vel  
 كِرْفْت.

نَاشْت, *habe*, نَ اَر ut: *st*, شْت *mutatur* in ر.

سَاخْت, *fac*, سَا اَر ut: *xt*, خْت, vel in  
 خَاَسْت, *surge*, خَا اَر ut: *st*, سْت, vel in

*cognosce*, شِنَاسْ, ut: *xt*, خْت, vel in  
 شِنَاخْت  
*scribe*, نُوِشْت, ut: *st*, شْت, vel in

vel

نمونه صفحاتی از کتاب یعقوب آلتونگی